

بررسی ارتباط بین اشتباهات حسابرسی و مربوط بودن ارزش متغیرهای بنیادی حسابداری در شرکت‌های تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

منصوره دهقانی*

محمود معین‌الدین**

فروغ حیرانی***

چکیده

حسابرسی منطبق بر استانداردهای حسابرسی به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که از نبود اشتباه و یا تحریفی بااهمیت در صورت‌های مالی به‌عنوان یک مجموعه، اطمینان معقول به دست آید. همچنین با توجه به اینکه صورت‌های مالی اساسی منبع اولیه اطلاعات در خصوص شرکت هستند، انتظار می‌رود با دریافت مهر تأیید از حسابرس، محتوای اطلاعاتی آن‌ها افزایش یابد؛ اما حسابرس به دلیل اینکه کار خود را با تردید حرفه‌ای انجام می‌دهد، ممکن است در رسیدگی و اظهار نظر درباره صورت‌های مالی دچار اشتباه شود. هدف اصلی این مقاله بررسی تأثیر اشتباهات حسابرسی بر محتوای اطلاعاتی متغیرهای حسابداری است. دوره زمانی اجرای این تحقیق سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ می‌باشد. با توجه به هدف پژوهش، نمونه مورد نظر در هر سال مشتمل بر دو گروه شرکت‌ها است، شرکت‌هایی که صورت‌های مالی آن‌ها بابت اشتباهات حسابرسی سال قبل تجدید ارائه گردیده و در مقابل شرکت‌هایی که صورت‌های مالی آن‌ها تجدید ارائه نگردیده (فاقد اشتباه حسابرسی در سال قبل بوده‌اند) و در هر سال ۶۰ شرکت انتخاب‌شده است که در کل، نمونه شامل ۳۰۰ سال-شرکت است. به‌منظور بررسی رابطه متغیرها از تکنیک آماری رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده‌های پنل استفاده‌شده است. نتایج نشان می‌دهد که اشتباهات حسابرسی بر محتوای اطلاعاتی متغیرهای حسابداری از جمله سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم تأثیر معنی‌دار منفی می‌گذارد.

واژه‌های کلیدی: اشتباهات حسابرسی، تعدیل سنواتی، محتوای اطلاعاتی، سود هر سهم، ارزش دفتری هر سهم.

* دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، گروه حسابداری، یزد، ایران
** استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، گروه حسابداری، یزد، ایران (Mahmoudmoein@Gmail.com)
*** دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، گروه حسابداری، یزد، ایران

۱- مقدمه

گروه کثیری از استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری، به اطلاعاتی اتکا می‌کنند که به شکل صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی توسط مدیران تهیه و ارائه می‌شوند. در بسیاری از موارد هدف تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، با استفاده‌کنندگان آن‌ها یکسان نیست و این موضوع ناشی از تضاد منافع بین گروه‌های ذینفع در شرکت‌ها است؛ بنابراین استفاده‌کنندگان جهت کاهش این تضاد منافع، به خدمات افراد صاحب‌نظر، باصلاحیت و مستقل برای اعتبار دهی به اطلاعات حسابداری نیاز دارند. نیاز به خدمات حسابرسان مستقل، در این استدلال نهفته است و فلسفه وجودی حسابرسان مستقل ایفای وظیفه اعتبار دهی است (مداحی، ۱۳۸۸).

وجود اطلاعات مالی درخور اعتماد، لازمه بقای جامعه امروزی است و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به اطلاعات قابل اعتماد و اتکا نیاز دارد و نقش حسابرس، اعتبار دهی به صورت‌های مالی است که باعث حصول اطمینان از مطلوبیت در ارائه و قابلیت اعتماد صورت‌های مالی می‌شود. حسابرسی منطبق بر استانداردهای حسابرسی به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که از نبود اشتباه و یا تحریفی بااهمیت در صورت‌های مالی به‌عنوان یک مجموعه اطمینانی معقول به دست آید. حسابرسی منظم و سالانه توسط حسابرسان مستقل، بهترین نوع حفاظت از منافع عمومی است. هرچند سرمایه‌گذاری معمولاً با مخاطراتی همراه است ولی حسابرسی سالانه شرکت‌ها از مخاطرات مضاعف ناشی از عدم اعتبار و قابلیت اتکای اطلاعات صورت‌های مالی می‌کاهد (یعقوبی منش، ۱۳۸۸). با توجه به اینکه صورت‌های مالی اساسی منبع اولیه اطلاعات در خصوص شرکت هستند انتظار می‌رود با دریافت مهر تأیید از حسابرس مبنی برداشتن قابلیت اتکای نسبی، محتوای اطلاعاتی آن‌ها افزایش یابد. در این تحقیق سعی شده با بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، شرکت‌هایی که صورت‌های مالی آن‌ها تجدید ارائه‌شده (دارای اشتباه حسابرسی) از شرکت‌هایی که تجدید ارائه نشده‌اند (فاقد اشتباه حسابرسی) را از هم تفکیک نموده و تأثیر اشتباهات حسابرس را بر توان توضیحی متغیرهای حسابداری موردبررسی قرار گیرد. لذا تحقیق حاضر در نظر دارد تأثیر اشتباهات حسابرسان در رسیدگی به صورت‌های مالی بر قابلیت اتکای اطلاعات از منظر تصمیم‌گیرندگان را بررسی نماید.

۲- بیان مسئله و اهمیت تحقیق

حسابرس هنگام برنامه‌ریزی و اجرای روش‌های حسابرسی و ارزیابی و گزارشگری نتایج حاصل باید خطر وجود تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی را که از تقلب یا اشتباه ناشی می‌شود، در نظر گیرد. تحریف در صورت‌های مالی می‌تواند از تقلب یا اشتباه ناشی می‌شود. "اشتباه" عبارت است از هرگونه تحریف سهوی در صورت‌های مالی. "تقلب" عبارت است از هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث، برای برخورداری از یک مزیتی ناروا

یا غیرقانونی. هرچند تقلب یک مفهوم قانونی گسترده دارد، اما آنچه به حسابرس مربوط می‌شود اقدامات متقلبانه‌ای است که به تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی می‌انجامد. هدف برخی از تقلبات ممکن است تحریف صورت‌های مالی نباشد. حسابرسان درباره وقوع تقلب قضاوت حقوقی نمی‌کنند. تقلبی که با دخالت یک یا چند نفر از مدیران واحد مورد رسیدگی روی دهد به‌عنوان "تقلب مدیران" و تقلبی که تنها توسط کارکنان واحد مورد رسیدگی روی دهد به‌عنوان "تقلب کارکنان" نامیده می‌شود (استانداردهای حسابرسی، ۱۳۸۶).

به‌ر حال حسابرس با توجه به شرایط مختلف به بررسی صورت‌های مالی می‌پردازد تا نسبت به صورت‌های مالی اظهار نظر حرفه‌ای انجام دهد، ولی حسابرس نیز ممکن است در اظهار نظر خود دچار اشتباه شود. با توجه به اینکه صورت‌های مالی اساسی منبع اولیه اطلاعات در خصوص شرکت هستند، انتظار می‌رود با دریافت مهر تأیید از حسابرس مبنی برداشتن قابلیت اتکای نسبی، محتوای اطلاعاتی آن‌ها افزایش یابد؛ بنابراین محقق در پی پاسخ دادن به این سؤال اصلی است که آیا بین اشتباهات حسابرسی و ارزش (محتوای) اطلاعاتی متغیرهای حسابداری رابطه معناداری وجود دارد؟

۳- مفاهیم نظری و پیشینه پژوهش

۳-۱- حسابرسی

حسابرسی فرآیندی است منظم و باقاعده جهت جمع‌آوری و ارزیابی بی‌طرفانه شواهد درباره ادعاهای مربوط به فعالیت و وقایع اقتصادی به‌منظور تعیین درجه انطباق این ادعاها با معیارهای از پیش تعیین‌شده و گزارش نتایج به افراد ذینفع. همچنین حسابرسی فرآیند رسیدگی بی‌طرفانه به اسناد، مدارک و دیگر شواهد پشتوانه صورت‌های مالی به‌منظور اطمینان یافتن از درستی گزاره‌های صحیح یا ضمنی مدیریت و دستیابی به مبانی معقول برای ارائه نظر حرفه‌ای درباره اینکه صورت‌های مالی به‌طور مطلوب ارائه‌شده و از تمام جنبه‌های بااهمیت با اصول پذیرفته‌شده حسابرسی انطباق دارد، می‌باشد (ایمان زاده، ۱۳۸۸).

۳-۲- اشتباهات حسابرسی

حسابرس در طی فرآیند حسابرسی، ملزم به گردآوری شواهد و مدارک کافی و قابل اطمینان است تا به پشتوانه آن‌ها بتواند اظهار نظر حرفه‌ای مناسب در مورد فعالیت‌های واحد اقتصادی مورد رسیدگی ارائه نماید. در این بین حسابرس ممکن است دچار دو نوع اشتباه شود.

۱. اشتباه نوع اول که در آن بر اساس نتایج حاصل از روش‌های حسابرسی، اشتباه عمده در حساب‌ها تعیین می‌شود در صورتی که واقعاً اشتباهی در بین نباشد. (رد نادرست) اشتباه نوع آلفا
۲. اشتباه نوع دوم زمانی است که روش‌های حسابرسی، از نبود اشتباه عمده در صورت‌های مالی

حکایت می‌کند درحالی‌که واقعاً اشتباه وجود دارد. (تائید نادرست) اشتباه نوع بتا با دقت نظر مشخص می‌شود که اشتباه نوع اول حکایت از عدم کارایی روش‌هایی حسابرسی دارد. درحالی‌که اشتباه نوع دوم بیانگر عدم اثربخشی روش‌های حسابرسی در دستیابی به مدارک و شواهد کافی و قابل اطمینان بوده است. با توجه به گزارش نادرست حسابرس در اشتباه نوع دوم و احتمال اتکا استفاده‌کنندگان به گزارش، حسابرس تلاش می‌کند در درجه اول و تا حد ممکن از اشتباه نوع دوم اجتناب ورزد؛ زیرا مسئولیت قانونی و هزینه‌های ناشی از ارتکاب آن‌ها بالقوه سنگین خواهد بود.

۳-۳- منابع اشتباهات در قضاوت‌های اشتباه در حسابرسی

حسابرسان همواره فرض می‌کنند که تصمیم‌گیری منطقی هستند؛ اما تحقیقات روانشناسی زیادی نشان می‌دهد که افراد در زمان پردازش اطلاعات و تجزیه و تحلیل یک تصمیم خاص دارای اشتباهاتی هستند. عموماً برخی از دلایلی که حسابرسان ممکن است در قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود دچار اشتباه شوند به شرح ذیل است:

۱. حسابرسان نمی‌توانند به روشنی موضوع تصمیم‌گیری خود را تعریف کنند: هدف حسابرسی صورت‌های مالی نسبتاً واضح و شفاف است و آن اظهار نظر درباره کلیت صورت‌های مالی است؛ اما همه تصمیمات حسابرسی به این سادگی نیست و مواردی از آن را به‌سختی می‌توان تعیین کرد. برای نمونه، معنی دقیق "شواهد کافی و قابل قبول" چیست؟ حسابرس چگونه می‌فهمد که شواهد کافی را به دست آورده است.

۲. حسابرسان ممکن است آگاه نباشند یا نتوانند تمام شواهد مربوط به داده‌ها را ارزیابی کنند: شواهد مورد نیاز حسابرسی اغلب ممکن است در دسترس نباشد یا برای حسابرس ناشناخته باشد. در فرآیند حسابرسی، ارزیابی اطلاعات نیز می‌تواند مشکل باشد، زیرا این کار به‌صورت ذهنی انجام می‌شود و این احتمال نیز وجود دارد که حسابرس توانایی ارزیابی درست شواهد حسابرسی را نداشته باشد. حسابرسان در واقع باید تمام شواهد بالقوه مربوط به حسابرسی را در نظر بگیرند؛ اما آنان تلاش نمی‌کنند شواهدی را به دست آورند که طبق الزامات از پیش تعیین‌شده در قرارداد منعقدشده ملزم به گردآوری آن هستند.

۳. حسابرسان ممکن است بهترین راهکار را انتخاب نکنند: حسابرس باید تصمیمات خود را بر اساس شواهد اتخاذ کند؛ اما ممکن است نتواند همه راهکارهای معقول برای یک موفقیت را تعیین یا در نظر بگیرد. از سوی دیگر، تمایلات و هدف‌های شخصی حسابرس نیز نباید روی تصمیم‌گیری حرفه‌ای او تأثیر بگذارد. متأسفانه، اهداف مختلفی مانند تلاش برای حفظ یک صاحب‌کار ممکن است روی کیفیت تصمیمات حسابرس تأثیر بگذارد.

به‌طور کلی، محدودیت‌های پیش‌گفته، ناشی از منطق محدود است. افراد فرض می‌کنند که در تصمیم‌گیری‌های خود منطقی هستند، اما منطق محدود، نشان می‌دهد این امکان وجود ندارد که همه اطلاعات مناسب و ضروری بر اساس روشی شفاف و قابل‌درک در دسترس تصمیم‌گیران قرار

می‌گیرد. بر اساس منطق محدود، افراد اغلب از روش‌های ساده‌شده‌ای برای تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند (روبائی و محمدی، ۱۳۹۰).

۳-۴- روش‌های غلبه بر قضاوت‌های اشتباه حسابرسی

فهرست طولانی اشتباهات بالقوه قضاوت در حسابرسی ممکن است برای حساب‌رسان نگران‌کننده باشد، اما روش‌های مختلفی برای دوری از اشتباهات قضاوتی یا کاهش اثر آن وجود دارد. برخی از مؤثرترین این روش‌ها به این شرح است (همان منبع، ۱۴۱):

بهبود مهارت

یکی از عمومی‌ترین روش‌های اجتناب از قضاوت‌های اشتباه در حسابرسی، ارتقای آموزش حساب‌رسان و استفاده از افراد حرفه‌ای است. بدیهی است هر چه افراد، آشنایی بیشتری با تصمیم‌گیری داشته باشند احتمال تکمیل درست فرآیند تصمیم‌گیری توسط آنان افزایش می‌یابد. افراد با مهارت بیشتر، احتمال بیشتری دارد که راهکارها را به‌درستی تعیین کنند، سنجش مناسب‌تری از معیارهای مربوط داشته و معیارها را به‌درستی ارزیابی کنند.

اعمال روش‌های غیر سوگیرانه

دانستن درباره تأثیر بالقوه قضاوت‌های سوگیرانه، اولین گام ضروری برای اجتناب چنین قضاوت‌هایی است. در برخی موقعیت‌ها، توجه افراد به موضوعات بالقوه می‌تواند منجر به بهبود عملکرد شود. آموزش قضایای توصیف‌کننده مسائل مربوط به اشتباهات قضاوت‌ها در حسابرسی می‌تواند به کاهش سوگیری‌های قضاوتی حساب‌رسان کمک کند.

ایجاد چارچوب و چشم‌انداز

تغییر نگرش حساب‌رسان به مسائل تصمیم‌گیری می‌تواند به کاهش برخی از سوگیری‌ها در قضاوت‌های آنان کمک کند. برای نمونه، اگر نگرش حساب‌رس به قرارداد حسابرسی این باشد که حساب‌ها به نحو مطلوب بیان شده و صرفاً باید مجموعه‌ای شواهد خارج از شرکت صاحب‌کار به دست آورد و آن را اثبات کند، این سوگیری درباره تأییدیه می‌تواند مشکل‌ساز باشد. در این شرایط، اگر حساب‌رس نگرش خود را تغییر دهد از بروز چنین اشتباهات قضاوتی جلوگیری می‌شود.

تصمیم‌گیری گروهی و بررسی تصمیمات فردی

حساب‌رسان به‌ندرت به‌تنهایی تصمیم‌گیری می‌کنند. تقریباً تمام تصمیمات در فرآیند حسابرسی بر اساس مشورت با سایر اعضای تیم حسابرسی گرفته می‌شود. این تصمیم‌گیری‌های گروهی دارای منافعی برای جبران اشتباهات قضاوتی است که معمولاً توسط افراد صورت می‌گیرد. علاوه بر

این، وقتی یک حسابرس، کار فرد دیگری را بررسی می‌کند می‌تواند نواقص قضاوت‌های انجام‌شده به‌وسیله دیگران را تضمین کند.

توجیه تصمیمات

تحقیقات نشان می‌دهد در زمانی که از افراد خواسته می‌شود که تصمیمات خود را توجیه کنند، افراد با اشتباهات قضاوتی خود، بیشتر به شکل وظیفه شناسانه و کمتر احساساتی مواجه می‌شوند. توجیه، اغلب به شکل شواهد مکتوب در کار برگ‌ها ارائه می‌شود که ویژگی متمایزی در فرآیند حسابرسی نیز می‌تواند وقوع اشتباهات قضاوتی را کاهش دهد.

استفاده از راهنمای تصمیم‌گیری

حسابرسان به‌عنوان یک روش می‌توانند به تدوین راهنمای تصمیم‌گیری پرداخته یا مستقیماً برای گردآوری و ارزیابی شواهد استفاده کنند. این راهنما این امکان را فراهم می‌کند تا از انجام قضاوت‌های مشترک اجتناب شود. برای نمونه، استفاده از پرسشنامه کنترل داخلی یا فهرست کنترل افشای اطلاعات، کمک می‌کند تا حسابرسان کلیه اطلاعات مربوط را در نظر بگیرند. همه فرآیندهای تصمیم‌گیری، موضوعاتی برای اشتباهات قضاوتی بالقوه و نتیجه‌گیری‌های اشتباه است. روش‌های خاصی وجود ندارد که کامل و مؤثر باشد و تمام مشکلات مربوط به اشتباهات قضاوتی را از بین ببرد، اما واقعیت این است که برخی از روش‌های مورد استفاده در فرآیند حسابرسی، بر این موضوع دلالت دارند که حسابرسان با استفاده از این روش‌ها، به‌طور معقول می‌توانند تأثیر سوگیری‌های قضاوتی را در قضاوت‌های حرفه‌ای خود حداقل کنند.

۳-۵- اصلاح اشتباهات سنوات قبل در حسابرسی

در استاندارد حسابداری شماره ۶ با عنوان گزارش عملکرد مالی در بند ۴۱ چنین آمده است: ممکن است در دوره جاری اشتباهاتی مربوط به صورت‌های مالی یک یا چند دوره مالی گذشته کشف گردد. اصلاح این اشتباهات در صورتی که بااهمیت نباشد، در سود یا زیان خالص دوره جاری منظور می‌گردد. این اشتباهات می‌تواند از جمله ناشی از موارد زیر باشد:

الف) اشتباهات ریاضی

ب) اشتباهات در به‌کارگیری رویه‌های حسابداری

ج) تعبیر نادرست یا نادیده گرفتن واقعیت‌های موجود در زمان تهیه صورت‌های مالی

د) تغییر از یک‌رویه غیراستاندارد حسابداری به یک‌رویه استاندارد حسابداری

ه) موارد تقلب

منطبق با بند ۴۲ استاندارد شماره ۶، در مواردی ممکن است صورت‌های مالی منتشرشده یک یا چند دوره قبل شامل اشتباهات بااهمیتی باشد که تصویر مطلوب را مخدوش و در نتیجه قابلیت

اتکای صورت‌های مالی مزبور را کاهش دهد. اصلاح چنین اشتباهاتی نباید از طریق منظور کردن آن در سود و زیان سال جاری انجام گیرد، بلکه باید با ارائه مجدد ارقام صورت‌های مالی سال (های) قبل به چنین منظوری دست‌یافت. در نتیجه مانده افتتاحیه سود (زیان) انباشته نیز بدین ترتیب تعدیل خواهد شد. با توجه به اینکه تعدیل سنواتی نشانه‌ای از وجود تحریف و یا اشتباه در صورت مالی حسابرسی شده سال قبل می‌باشد، لذا این تحقیق به بررسی رابطه بین اشتباهات حسابرسی و محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی شرکت‌های دارای تعدیل سنواتی (تجدید ارائه‌شده) و شرکت‌های فاقد تعدیل سنواتی (تجدید ارائه نشده) پرداخته است.

۳-۶- پیشینه پژوهش

۳-۶-۱- مروری بر پیشینه‌های خارجی

لیبی و فردریک^۱ (۱۹۹۰) در پژوهشی که انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت حسابرسی و تجربه حسابرس رابطه مستقیم وجود دارد. به دلیل اینکه حسابرسان باتجربه‌تر، درک و شناخت بیشتری از اشتباهات موجود در صورت‌های مالی دارند و تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند از کیفیت بالاتری برخوردار است. در بررسی میزان رابطه بین متغیرهای حسابداری و ارزش بازار سهام شرکت، دیچو^۲ در تحقیقی در سال ۱۹۹۷ به این نتیجه رسید که هر چه تغییرات یک متغیر غیرقابل پیش‌بینی‌تر باشد، آن متغیر با ارزش سهام مربوط‌تر خواهد بود.

لنوکس^۳ (۱۹۹۸) به مطالعه این موضوع پرداخت که تغییر حسابرسان می‌تواند نشانه‌ای برای ورشکستگی یا اعمال تحریفات توسط شرکت‌ها باشد. وی با نمونه‌گیری از شرکت‌های ورشکسته به این نتیجه رسید شرکت‌هایی که میزان فروش آن‌ها واهی است تمایل زیادی به تغییر حسابرسانی دارند که گزارش معتبر ارائه می‌کنند. این موضوع نشان‌دهنده آن است که شرکت‌ها تمایل به کاهش دقت در گزارش‌های حسابرس را دارند که نمایانگر اختلالات حسابرسی آن‌ها است. همچنین وی در سال ۱۹۹۹ در تحقیقی به بررسی رابطه حق‌الزحمه‌های حسابرسی با کیفیت حسابرسی و افشا پرداخت. نتایج نشان داد وجود رابطه مثبت میان حق‌الزحمه‌های حسابرسی افشاشده و کیفیت حسابرسی وجود دارد.

گیگر و راژوناندان^۴ در سال ۲۰۰۲ به بررسی رابطه میان دوره حسابرس - صاحب‌کار و اشتباهات حسابرسی پرداختند. نتایج بررسی نشان داد که در گزارش حسابرسان جدید اشتباهات بیشتری یافت می‌شود. این نتیجه‌گیری به دلیل موقعیت حسابرسان است که شاید متأثر از سال اول فعالیت خود قرار گرفتند. در یک بررسی پیرامون تأثیر اعتبار حسابرس بر قیمت بازار سهام، با بررسی مشتریان

- 1- Libby & Fredrick, 1990
- 2- Dichev, 1997
- 3- Lennox, 1998
- 4- Giger & Raghunadan, 2002
- 5- Chaney & Philipch, 2002

آرتوراندرسون در مورد ورشکستگی انرون توسط شینی و فیلیپچ^۵ (۲۰۰۲)، بیان داشتند بعد از اینکه به شهرت و اعتبار حسابرس انرون لطمه وارد شد مشتریان آن شاهد کاهش بااهمیت در قیمت سهام خود بوده‌اند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری بستگی به ادراک بازار از اعتبار حسابرس دارد.

بارتو^۱ و همکارانش (۲۰۰۵) در بررسی مربوط بودن ارزش دفتری و عایدات، مربوط بودن داده‌ها تحت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، استانداردهای آلمان و اصول پذیرفته‌شده حسابداری کشور آمریکا را تحلیل کردند. نتایج تحقیق نشان داد که در مدل‌های مبتنی بر بازده اصول پذیرفته‌شده حسابداری کشور آمریکا داده‌های حسابداری مربوط‌تری را نسبت به استانداردهای کشور آلمان و استانداردهای بین‌المللی فراهم می‌کند. رفیق بن آید^۲ (۲۰۰۶) مربوط بودن سودهای حسابداری و محتوای اطلاعاتی اجزای آن را در ارزشیابی واحدهای تجاری در بورس اوراق بهادار تونس مورد بررسی قرار داد. وی در این پژوهش اجزای سود شامل سود خالص، سود عملیاتی، سود قبل از مالیات، اقلام غیرمترقبه، مالیات بر درآمد و اقدام تعهدی را به همراه جریان‌های نقد عملیاتی مورد مطالعه قرار داد. نتایج نشان داد که جریان‌های نقدی عملیاتی و تعهدات، مقادیری دارای مربوط بودن پایین هستند ولی سود عملیاتی و سود خالص و سود قبل از مالیات و اقلام غیرمترقبه برای ارزشیابی واحد تجاری اقلامی مربوط هستند.

در پژوهشی با عنوان محافظه‌کاری حسابرس، استفان^۳ (۲۰۱۰) در پی اشتباهات حسابرسی، اثرات اشتباهات حسابرسی بر فعالیت‌های کنترلی مؤسسات حسابرسی Big4 را بررسی نمود. نتایج تجربی او نشان می‌دهد که پاسخ حسابرسی به اشتباهات حسابرسی در طول زمان تغییر کرده است. حساب‌رسانی که مشمول اشتباه حسابرسی بوده‌اند مجبور به انتخاب‌های محافظه‌کارانه‌تری در حسابداری در دوره پس از رویداد شده‌اند. به‌ویژه مشتریان مؤسسات درگیر، کاهش بااهمیتی را در اقلام تعهدی اختیاری حسابداری نسبت به مشتریان سایر حساب‌رسان در همان موقعیت شهری گزارش نمودند. لی و کیون^۴ در سال ۲۰۱۱ در مقاله‌ای به بررسی رابطه بین اطلاعات حسابداری شرکت‌های دارای اشتباهات حسابرسی و شرکت‌هایی که فاقد اشتباه هستند پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ارزش سود و ارزش دفتری صاحبان سهام برای شرکت‌هایی که اشتباهات حسابرسی را تجربه کرده‌اند نسبت به شرکت‌هایی که اشتباهات حسابرسی را شاهد نبوده‌اند، کمتر است؛ و در کل نتایج حاکی از آن است که بازار به‌طور کلی اطمینان کمتری نسبت به شرکت‌هایی که اشتباهات حسابرس را تجربه کرده‌اند.

۲-۶-۲- مروری بر پیشینه‌های داخلی

نتایج پژوهش ناصح در سال ۱۳۸۲ در بررسی سودمندی حسابرسی مستقل صورت‌های مالی از دیدگاه مدیران مالی، نشان می‌دهد که حسابرسی مستقل صورت‌های مالی احتمال وقوع تخلف در صورت‌های مالی و احتمال وقوع اعمال غیرقانونی در صورت‌های مالی مورد رسیدگی را کاهش

1- Bartov et al. 2005
2- Rafik Ben Ayed, 2006
3- Stephan, 2010
4- Li & Kevin, 2011

می‌دهد. همچنین حسابرسی مستقل صورت‌های مالی منجر به ارزیابی دقیق، کامل و مربوط بودن میناهای برآوردهای حسابداری صورت گرفته توسط مدیریت بنگاه اقتصادی می‌گردد. نوشادی در سال ۱۳۸۷ در مقاله‌ای، این فرض را که هر چه پیچیدگی موضوعات حسابرسی افزایش می‌یابد، تجربه تأثیر بیشتری بر قضاوت می‌گذارد را به تأیید رساند زیرا تفاوت‌های معناداری در تصمیم‌گیری افراد باتجربه و کم‌تجربه میان وظایف ساختار نیافته و نیمه ساختاریافته، دیده شد.

ثقفی و سلیمی (۱۳۸۴)، رابطه بین برخی متغیرهای بنیادی حسابداری و بازده سهام را بررسی و مدلی را برای پیش‌بینی ارائه کردند. متغیرهای پژوهش آن‌ها دربرگیرنده تغییرات در سودآوری، دارایی‌ها و نوع گزارش حسابرس مستقل می‌باشد. نتایج آن‌ها نشان داد که تغییر در سودآوری، جمع دارایی‌ها و نوع گزارش حسابرس با بازده غیرعادی سهام رابطه معنی‌داری دارد. در پژوهشی، مداحی در سال ۱۳۸۸ به تحقیق پیرامون اثربخشی یا عدم اثربخشی فرآیند حسابرسی در کشف اشتباهات و تحریف‌های بااهمیت در صورت‌های مالی پرداخت. در این تحقیق کشف تحريفات بااهمیت ناشی از اشتباه در برآوردهای حسابداری و عدم رعایت قوانین و مقررات مدنظر قرار گرفت. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که فرآیند حسابرسی در کشف اشتباهات و تحریف‌های بااهمیت در برآوردهای حسابداری و همچنین کشف اشتباهات و تحریف‌های بااهمیت ناشی از عدم رعایت قوانین و مقررات توسط واحد مورد رسیدگی اثربخش می‌باشد. همچنین تفاوت معنی‌داری بین مبالغ اشتباهات و تحريفات موجود در صورت‌های مالی و مبالغ کشف‌شده توسط حسابرس وجود دارد و مبالغ اعلام‌شده از سوی حسابرس عمدتاً کمتر از مبلغ تحريفات بوده است.

به دنبال آزمون رابطه برخی عوامل اثرگذار بر تغییر حسابرس در ایران، ایمان زاده در مقاله‌ای به بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران در سال ۱۳۸۸ پرداخت. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون لجستیک تک متغیره نشان می‌دهد که حق‌الزحمه حسابرسی، کیفیت سهام حسابرس، تغییر مدیران شرکت، اندازه شرکت و نرخ بازگشت سرمایه در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر تغییر حسابرسان از سوی شرکت‌ها تأثیر دارد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که تغییر حسابرس پی آمد عوامل شخصی می‌باشد. در بررسی تأثیر گزارش‌های حسابرسی بر قیمت سهام، یعقوبی منش در سال ۱۳۸۸ در تحقیقی تأثیر انواع اظهارنظر حسابرسی بر قیمت سهام ارزیابی کرد و نتایج آزمون فرضیات تحقیق حاکی از آن است که بین نوع اظهارنظر حسابرسان و قیمت سهام رابطه معناداری وجود دارد.

در سال ۱۳۸۹ یگانه و آدین ویژگی‌های مؤسسات حسابرسی و رابطه آن‌ها باکیفیت حسابرسی را مورد بررسی قرار داد؛ و نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین اندازه مؤسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی (تحريفات کشف‌شده و گزارش‌شده در گزارش‌های حسابرسی) رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. عبدالرزاقی در سال ۱۳۹۰ در بررسی رابطه بین متغیرهای بنیادی حسابداری با بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، سود خالص، سود عملیاتی، سود سهام، جریان وجه نقد آزاد و جریان وجه عملیاتی به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفت و نتایج تحقیق

نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل و بازده سهام است.

مرادی و عظیم مقدم (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "شناسایی عوامل اثرگذار بر مدل خطر حسابرسی؛ با بهره‌گیری از روش دلفی فازی" به شناسایی عوامل اثرگذار بر مدل خطر حسابرسی پرداخته و با استفاده از تکنیک دلفی فازی و بهره‌گیری از نظر خبرگان ۳۹ عامل اثرگذار بر مدل خطر حسابرسی را شناسایی نموده‌اند.

پورحیدری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر به موقع بودن گزارش حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین تخصص حسابرس در صنعت و به موقع بودن گزارش حسابرس ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین اندازه حسابرسی و به موقع بودن گزارش حسابرس ارتباط معناداری وجود ندارد.

۴- بسط فرضیه‌های تحقیق

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر اشتباهات حسابرسی بر محتوای اطلاعاتی متغیرهای حسابداری است. به‌منظور محاسبه محتوای اطلاعاتی از دو متغیر بنیادی حسابداری شامل ارزش دفتری هر سهم و سود هر سهم استفاده شده است؛ بنابراین برای رسیدن به هدف کلی تحقیق، یک فرضیه اصلی و دو فرضیه فرعی به شرح زیر مطرح و مورد آزمون قرار گرفت:

فرضیه اصلی: بین اشتباهات حسابرسی و توان توضیحی متغیرهای بنیادی حسابداری رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی شامل:

- ۱- بین اشتباهات حسابرسی و توان توضیحی ارزش دفتری هر سهم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- بین اشتباهات حسابرسی و توان توضیحی سود خالص هر سهم رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۵- روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی و از حیث روش و ماهیت توصیفی-همبستگی است؛ زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می‌کند و از طرف دیگر رابطه بین متغیرهای مختلف را کشف یا تعیین می‌کند. از نظر ماهیت داده‌ها نیز پژوهش حاضر پس رویدادی تلقی می‌شود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شرکتهای تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ بوده است. از آنجاکه هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر اشتباهات حسابرسی بر محتوای اطلاعاتی متغیرهای حسابداری است، لذا نمونه موردنظر مشتمل بر دو گروه

شرکت‌ها است، شرکت‌هایی که در سال موردنظر صورت‌های مالی آن‌ها از بابت اشتباهات حسابرسی سال قبل تجدید ارائه گردیده و در مقابل شرکت‌هایی که صورت‌های مالی آن‌ها تجدید ارائه نگردیده و فاقد اشتباه بااهمیت در دوره قبل بوده‌اند. با توجه به اعمال این محدودیت ویژه در هر سال، نمونه موردنظر در هر سال معادل ۳۰ شرکت در هر گروه (در مجموع ۶۰ شرکت در هر سال) و ۳۰۰ سال - شرکت در کل انتخاب شد.

گردآوری داده‌ها و اطلاعات برای مباحث نظری مانند پیشینه و ادبیات تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. جهت گردآوری داده‌ها، از اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار استفاده شده است؛ محقق جهت دستیابی به این اطلاعات از بانک‌های اطلاعاتی مربوط به بورس از جمله نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت رسمی سازمان بورس اوراق بهادار استفاده نموده است. همچنین از آمار توصیفی شامل جداول و نمودارها جهت توصیف نمونه موردبررسی و از آمار استنباطی جهت تحلیل داده‌های مرتبط با فرضیه‌ها استفاده می‌شود. پس از استخراج داده‌ها از بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین و انجام محاسبات اولیه در ارتباط با متغیرها و پردازش اولیه اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار اکسل، به‌منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، از تکنیک آماری رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

۶- اندازه‌گیری متغیرها و بسط مدل‌های تحقیق

۶.۱. متغیرها و نحوه محاسبه آن‌ها

متغیر وابسته:

قیمت سهام^۱: قیمت سهام در پایان سال مالی که با مراجعه به سایت بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزار ره‌آورد نوین به دست می‌آید.

متغیرهای مستقل:

سود هر سهم^۲ (EPS): سود هر سهم از تقسیم سود خالص بعد از مالیات بر تعداد سهام به دست می‌آید (لی، ۲۰۱۱).

ارزش دفتری هر سهم^۳: ارزش دفتری هر سهم از تقسیم ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام بر تعداد سهام به دست می‌آید (لی، ۲۰۱۱).

متغیرهای کنترلی:

اهرم مالی^۴ (LEV): این متغیر از تقسیم جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها محاسبه شده است (شجاعی، ۱۳۸۹).

اندازه شرکت^۵: متغیر اندازه شرکت در این پژوهش فروش سالانه شرکت می‌باشد که از صورت

- 1- Price stock
- 2- Earning pershre
- 3- Book value per share
- 4- Financial leverage
- 5- Size

سود و زیان شرکت‌های منتخب استخراج شده است.

۶-۲- مدل‌های تحقیق

مدل‌های اول و دوم به ترتیب به منظور بررسی محتوای اطلاعاتی ارزش دفتری هر سهم و سود هر سهم طراحی شده‌اند که با ترکیب آن‌ها مدل سوم حاصل شده است.

$$\text{مدل ۱: ارزش دفتری } P_{it} = \beta_0 + \beta_1 BVPS_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$$\text{مدل ۲: سود خالص } P_{it} = \beta_0 + \beta_1 NIPS_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$$\text{مدل ۳: ارزش دفتری و سود } P_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BVPS_{i,t} + \beta_2 NIPS_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

با اضافه شدن متغیرهای کنترلی به هر یک از مدل‌های فوق، مدل‌های نهایی به شرح زیر ارائه

می‌گردد:

$$P_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BVPS_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 ze_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$$P_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 NIPS_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 ze_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$$P_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BVPS_{i,t} + \beta_2 NIPS_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 ze_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در

این مدل‌ها P بیانگر ارزش بازار هر سهم شش ماه بعد از انتشار صورت‌های مالی، BVPS بیانگر ارزش دفتری سرمایه هر سهم عادی در پایان سال، NIPS بیانگر سود خالص بعد از کسر مالیات هر سهم، LEV اهرم مالی و Size اندازه شرکت را نشان می‌دهد.

۷- آزمون فرضیه‌ها و یافته‌های تحقیق

برای بررسی اشتباهات حسابرسی از اطلاعات شرکت‌هایی که صورت‌های مالی آن‌ها تجدید ارائه شده و شرکت‌هایی که صورت‌های مالی آن‌ها تجدید ارائه نشده و برای بررسی توان توضیحی متغیرهای حسابداری از رابطه قیمت سهام با متغیرهای حسابداری استفاده می‌گردد. فرضیه‌های تحقیق با استفاده از روش همبستگی بین متغیرها و معادلات رگرسیون از طریق روش پانل دیتا مورد

آزمون قرار گرفته و نتایج تحلیل آن در این بخش ارائه شده است. به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش محاسبه و در جداول ۱ و ۲، ارائه شده است. انحراف معیار داده‌ها پراکندگی داده‌ها از میانگین را نشان می‌دهد. انحراف معیار کم نشان دهنده پراکندگی کم داده‌ها از میانگین و انحراف معیار زیاد نشان دهنده پراکندگی زیاد داده‌ها از میانگین می‌باشد.

جدول (۱): آمار توصیفی برای شرکت‌های که صورت‌های مالی آن‌ها تجدید ارائه نشده‌اند

متغیر	تعداد مشاهده	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
DU	۱۵۰	632,143	238,902	13,096,435	28,034	1,297,170	6.82	61.13
EPS	۱۵۰	870.69	598.50	7,119	2	982.60	3.25	17.90
BV	۱۵۰	12,235.02	2,489.31	1,424,638	-7,027.25	116,125.90	12.12	147.86
ASSET	۱۵۰	992,379.60	406,196.50	13,761,067	22,404	1,677,756	4.56	29.48
SEL	۱۵۰	441,642.40	192,529.00	8,402,106	2,718	839,806	6.39	56.44
P	۱۵۰	5,361.53	3,862.50	37,515	150	5,431.10	2.76	13.32
MV	۱۵۰	832,152.70	255,613	17,121,000	4,400	1,946,997	5.75	42.01

جدول (۲): آمار توصیفی برای شرکت‌های که صورت‌های مالی آن‌ها تجدید ارائه شده‌اند

متغیر	تعداد مشاهده	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
EPS	۱۵۰	905.41	498.50	7,094	-2,518	1,302.56	1.83	8.73
DU	۱۵۰	1,372,361	379,935	60,661,984	2,554	5,504,202	9.10	93.75
BV	۱۵۰	3,125.56	2,419.02	20,994.31	-8,942.89	3,418.33	1.68	11.22
ASSET	۱۵۰	2,221,819	576,662.50	70,017,929	42,703	7,999,360	6.76	50.75
MV	۱۵۰	1,686,144	344,970	50,528,400	2,970	5,871,480	6.12	43.86
P	۱۵۰	6,091.62	3,398	70,871	385	8,427.79	4.50	30.39
SEL	۱۵۰	870,477	272,752.5	33,703,749	2,689	3,385,769	7.78	68.25

چولگی عدم تقارن توزیع را نسبت به شاخص میانگین نشان می‌دهد. اگر ضریب چولگی منفی باشد، توزیع دارای چوله به چپ است و در صورتی که ضریب چولگی مثبت باشد، توزیع دارای چوله به راست است و اگر ضریب چولگی صفر باشد، توزیع متقارن خواهد بود. هر چه قدر مطلق ضریب

چولگی بزرگ‌تر باشد، تفاوت جامعه از نظر قرینگی با توزیع متقارن بیشتر خواهد بود. ضریب چولگی متغیرهای نسبت قیمت به سود و چرخه تجاری منفی و چوله به چپ و برای سایر متغیرها مثبت و چوله به راست است. در حالت‌های خاصی که تصمیم‌گیری به کمک پارامترهای مرکزی و چولگی امکان‌پذیر نیست، یکی از پارامترهای مناسب استفاده از مقایسه پراکندگی جامعه نسبت به توزیع نرمال، ضریب کشیدگی نام دارد. توزیع‌ها با توجه به مقدار ضریب کشیدگی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- آن دسته از توزیع‌ها که نسبت به توزیع نرمال از پراکندگی بیشتری برخوردارند؛ یعنی منحنی توزیع نسبت به توزیع نرمال کوتاه‌تر است. این دسته از توزیع‌ها دارای ضریب کشیدگی منفی خواهد بود.

۲- توزیع‌هایی که از توزیع نرمال بلندترند. علت اوج گرفتن این توزیع‌ها آن است که داده‌ها حول میانگین متمرکز شده‌اند؛ به عبارت دیگر از پراکندگی داده‌ها کاسته شده است. ضریب کشیدگی این دسته از توزیع‌ها مثبت خواهد بود.

۳- توزیع‌هایی که کشیدگی آن‌ها با کشیدگی توزیع نرمال یکسان است. این توزیع‌ها، توزیع‌هایی با کشیدگی متوسط هستند. ضریب کشیدگی در این توزیع‌ها صفر خواهد بود.

فرضیه فرعی اول

قبل از تخمین مدل رگرسیونی موردنظر، آزمون چاو برای تعیین مناسبیت رگرسیون انجام می‌شود. جدول ۱ آزمون چاو برای تعیین مناسبیت رگرسیون در رابطه با فرضیه موردنظر را نشان می‌دهد. با توجه به جدول مزبور احتمال آماره آزمون چاو برای هر دو گروه شرکت‌ها، در مورد اثرات ثابت مقطعی کوچک‌تر از ۰,۰۵ و در مورد اثرات ثابت زمانی احتمال آن بزرگ‌تر از ۰,۰۵ می‌باشد. بنابراین مدل اثرات ثابت مقطعی ارجح است. جدول ۳ نتایج حاصل از تخمین مدل‌های رگرسیونی در دو گروه شرکت‌ها را نشان می‌دهد.

با توجه به آماره F و احتمال مربوط به آن می‌توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹٪ در هر دو گروه شرکت‌ها، معادله رگرسیون معنی‌دار است. نتایج مربوط به آماره دورین-واتسون (عدم خودهمبستگی جملات خطا) برای مدل‌ها نشان از استقلال نسبی داده‌ها دارد.

ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل‌ها بیان‌کننده میزان مربوط بودن متغیرهای مستقل باقیمت سهام می‌باشد. مطابق با جدول ۴ ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل برای شرکت‌هایی که صورت‌های مالی آن‌ها تجدیدارائه‌شده ۰,۶۶ و برای شرکت‌هایی که صورت‌های مالی آن‌ها تجدیدارائه نشده ۰,۷۰ می‌باشد. این بدان معناست که به‌طور متوسط ۰,۶۶ تغییرات قیمت در شرکت‌هایی که صورت‌های مالی تجدیدارائه‌شده و ۰,۷۰ برای شرکت‌هایی که صورت‌های مالی تجدیدارائه نشده توسط این متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. همچنین در هر دو گروه از شرکت‌ها متغیر ارزش دفتری هر سهم دارای احتمال صفر است. بنابراین این متغیر در سطح اطمینان ۹۹٪ معنی‌دار است.

جدول (۳): نتایج آزمون چاو فرضیه فرعی اول

تجدید ارائه نشده				تجدید ارائه شده			
Redundant Fixed Effects Tests							
Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.	Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Cross-section F	۱,۹۶۹۳	-۲۹,۱۱۵	۰,۰۰۶۲	Cross-section F	۲,۰۰۵۶۴	-۲۹,۱۱۵	۰,۰۰۱
Cross-section Chi-square	۶۰,۴۸۲۵	۲۹	۰,۰۰۰۵	Cross-section Chi-square	۵۲,۹۶۳	۲۹	۰,۰۸۴۵
Test period fixed effects							
Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.	Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Period F	۲,۲۱۴۱۹	-۴,۱۴۰	۰,۰۸۸	Period F	۲,۳۸۷۲۰۵	-۴,۱۴۰	۰,۰۶۴
Period Chi-square	۹,۲۱۰۹	۴	۰,۰۵۶۳	Period Chi-square	۹,۸۹۷۰۷	۴	۰,۰۴۲۲

جدول (۴): نتایج آزمون فرضیه فرعی اول

تجدید ارائه نشده دوره برآورد ۱۳۸۵-۱۳۸۹				تجدید ارائه شده دوره برآورد ۱۳۸۵-۱۳۸۹			
Cross-section fixed (dummy variables)				Cross-section fixed (dummy variables)			
ضرب تعیین		۰,۷۶		ضرب تعیین		۰,۷۰	
ضرب تعیین تعدیل شده		۰,۷۰		ضرب تعیین تعدیل شده		۰,۶۶	
F		۱۱,۲۹۵۲۱		F		۹,۳۶۲۰۴	
احتمال (Prob)		۰		احتمال (Prob)		۰	
آماره دوربین - واتسون		۲,۴۰		آماره دوربین - واتسون		۲,۳۴۲۷۷	
متغیر توضیحی	ضرب	آماره t	احتمال سطح اطمینان	متغیر توضیحی	ضرب	آماره t	احتمال سطح اطمینان
عرض از مبدأ	۵۱۰۵,۴۱۹	۲۹,۹۶۳۰۶	۰	۹۹٪	۳۶۷۰,۶	۱۲,۲۲۴۱۸	۰
BV	۰,۰۰۴۴۰۸	۱,۵۶۸۶۲۷	۰	۹۹٪	۰,۶۸۹۱۱۴	۲,۳۸۷۵۸۶	۰
Size	۰,۰۰۱۷۹۹	۱۴,۶۴۶۹	۰	۹۹٪	۰,۰۰۱۱۲۴	۵,۲۶۴۰۷	۰
LEV	-۶۳۴,۷۰۳۸	-۷۲۵۵۷۷	۰,۴۶۹۵	بدون معنی	-۶۲۵,۰۰۸۹	-۵۸۱۳۰۶	۰,۵۶۲۲

برای بررسی معنادار بودن اختلاف در ضرایب تعیین تعدیل شده مدل‌ها در دو گروه موردنظر از آزمون

Z کرامر استفاده شده است. نتایج آماره Z کرامر برای مدل در جدول ۵ ارائه شده است.
جدول (۵): نتایج مربوط به آزمون Z کرامر فرضیه فرعی اول

گروه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره Z کرامر	احتمال
تجدید ارائه شده	۰,۷۰	۰,۶۶	۱۹,۰۷۳	۰
تجدید ارائه نشده	۰,۷۶	۰,۷۰		

از آنجایی که احتمال متناظر با آماره Z کرامر صفر می باشد، بنابراین تفاوت بین ضرایب تعیین دو مدل در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار می باشد. بزرگ تر بودن ضریب تعیین تعدیل شده، در گروه شرکت‌هایی که صورت های مالی آن‌ها تجدید ارائه نشده نشان دهنده این موضوع است که متغیر ارزش دفتری در این گروه محتوای اطلاعاتی بیشتری دارد. لذا می توان نتیجه گرفت اشتباهات حسابرسی بر محتوای اطلاعاتی ارزش دفتری هر سهم اثر منفی معنی دار دارد.

فرضیه فرعی دوم

جداول ۶ و ۷ به ترتیب آزمون چاو و نتایج حاصل از تخمین مدل های رگرسیونی در دو گروه شرکت‌ها در رابطه با فرضیه مورد نظر را نشان می دهند. منطبق با جدول ۵، مدل اثرات ثابت مقطعی ارجح است. با توجه به آماره F و احتمال مربوط به آن می توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹٪ در هر دو گروه شرکت‌ها معادله رگرسیون معنی دار است. نتایج مربوط به آماره دوربین-واتسون برای مدل‌ها نشان از استقلال نسبی داده‌ها دارد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل‌ها بیان کننده میزان مربوط بودن متغیرهای مستقل باقیمت سهام می باشد. مطابق با جدول ۶ ضریب تعیین تعدیل شده مدل برای شرکت‌هایی که صورت های مالی آن‌ها تجدید ارائه شده ۰,۸۱ و برای شرکت‌هایی که صورت های مالی آن‌ها تجدید ارائه نشده ۰,۹۴ می باشد.

این بدان معناست که به طور متوسط ۰,۸۱ تغییرات قیمت در شرکت‌هایی که صورت های مالی تجدید ارائه شده و ۰,۹۴ برای شرکت‌هایی که صورت های مالی تجدید ارائه نشده توسط این متغیرهای مستقل تبیین می شود. همچنین در هر دو گروه از شرکت‌ها متغیر سود هر سهم دارای احتمال صفر است. بنابراین این متغیر در سطح اطمینان ۹۹٪ معنی دار است. نتایج آماره Z کرامر نیز در جدول ۸ ارائه شده است. منطبق با احتمال متناظر با آماره Z کرامر، تفاوت بین ضرایب تعیین دو مدل در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار می باشد. بزرگ تر بودن ضریب تعیین تعدیل شده، در گروه شرکت‌هایی که صورت های مالی آن‌ها تجدید ارائه نشده نشان دهنده این موضوع است که متغیر سود خالص در این گروه محتوای اطلاعاتی بیشتری دارد. لذا می توان نتیجه گرفت اشتباهات

حسابرسی بر محتوای اطلاعات سود هر سهم اثر منفی معنادار دارد.
جدول (۶): نتایج آزمون چاو فرضیه فرعی دوم

تجدید ارائه نشده				تجدید ارائه شده			
Redundant Fixed Effects Tests							
Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.	Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Cross-section F	۲,۰۱۸۵۹۳	-۲۹,۱۱۵	۰,۰۰۴۷	Cross-section F	۰,۹۳۵۵۳۳	-۲۹,۱۱۵	۰,۰۲۲۶
Cross-section Chi-square	۶۱,۷۲	۲۹	۰,۰۰۰۴	Cross-section Chi-square	۳۱,۷۷۱۹۸	۲۹	۰,۰۱۶۵
Test period fixed effects							
Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.	Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Period F	۱,۹۵۴۱۹	-۴,۱۴۰	۰,۱۰۴۹	Period F	۲,۹۴۳۰۵۸	-۴,۱۴۰	۰,۰۸۶۵
Period Chi-square	۸,۱۴۹۶۹	۴	۰,۰۸۶۳	Period Chi-square	۱۲,۱۱۰۷۷	۴	۰,۰۵۵۶

جدول (۷): نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم

تجدید ارائه نشده دوره برآورد ۱۳۸۹-۱۳۸۵					تجدید ارائه شده دوره برآورد ۱۳۸۵-۱۳۸۹				
Cross-section fixed (dummy variables)					Cross-section fixed (dummy variables)				
ضریب تعیین					ضریب تعیین				
۰,۹۴					۰,۸۵				
ضریب تعیین تعدیل شده					ضریب تعیین تعدیل شده				
۰,۹۴					۰,۸۱				
F					F				
۵۹,۸۸۲۴					۲۰,۵۲۰۵۷				
احتمال (Prob)					احتمال (Prob)				
-					۰				
آماره دوربین- واتسون					آماره دوربین- واتسون				
۲,۴۱					۲,۲۴۲۷۷				
متغیر توضیحی	ضریب	آماره t	احتمال	سطح اطمینان	متغیر توضیحی	ضریب	آماره t	احتمال	سطح اطمینان
عرض از مبدأ	۱۶۶۲,۸۱۹	۹,۹۵۳۴۱۷	۰	۹۹٪	عرض از مبدأ	۱۹۷۱,۱۷	۶,۸۹۸۴۶	۰	۹۹٪
EPS	۴,۱۱۳۷۳۸	۲۳,۶۸۰۶۶	۰	۹۹٪	EPS	۴,۳۷۶۱۴۶	۱۶,۷۵۱۴۹	۰	۹۹٪
Size	۰,۰۰۰۹۴۷	۱۰,۱۰۳۳۵	۰	۹۹٪	Size	۰,۰۰۰۶۳۹	۵,۰۱۳۲۳۹	۰	۹۹٪
LEV	۸۲۰,۲۷۲۲	۱,۰۸۸۵۵	۰,۲۷۸۶	بدون معنی	LEV	۱۴۹۰,۹۶۹	۱,۶۷۳۸۱۸	۰,۰۹۶۹	بدون معنی

جدول (۸): نتایج مربوط به آزمون Z کرامر فرضیه فرعی دوم

گروه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره Z کرامر	احتمال
تجدید ارائه شده	۰,۸۵	۰,۸۱	۴,۱۹۷	۰
تجدید ارائه نشده	۰,۹۴	۰,۹۴		

۵- بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه فرعی اول پژوهش در خصوص وجود رابطه بین اشتباهات حسابرسی و توان توضیحی ارزش دفتری هر سهم، به‌عنوان یکی از متغیرهای بنیادی حسابداری مطرح و مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد ضریب تعیین مدل مورد استفاده در شرکت‌هایی که صورت های مالی آن‌ها تجدید ارائه نگردیده (فاقد اشتباه بااهمیت در دوره قبل) به‌طور معنی‌دار بالاتر از شرکت‌هایی بود که صورت های مالی آن‌ها ناشی از بروز اشتباه بااهمیت در دوره قبل مورد تجدید ارائه قرار گرفته بود. بنابراین فرضیه فرعی اول مبنی بر تأثیر اشتباهات حسابرسی بر محتوای اطلاعاتی ارزش دفتری مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه با نتیجه تحقیق لی و کیون (۲۰۱۱) تطابق دارد.

فرضیه فرعی دوم پژوهش در خصوص وجود رابطه بین اشتباهات حسابرسی و توان توضیحی سود خالص هر سهم، به‌عنوان یکی از متغیرهای بنیادی حسابداری مطرح و مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد ضریب تعیین مدل مورد استفاده در شرکت‌هایی که صورت های مالی آن‌ها تجدید ارائه نگردیده (فاقد اشتباه بااهمیت در دوره قبل) به‌طور معنی‌دار بالاتر از شرکت‌هایی بود که صورت های مالی آن‌ها ناشی از بروز اشتباه بااهمیت در دوره قبل مورد تجدید ارائه قرار گرفته بود. بنابراین فرضیه فرعی دوم مبنی بر تأثیر اشتباهات حسابرسی بر محتوای اطلاعاتی سود خالص مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه با نتیجه تحقیق لی و کیون (۲۰۱۱) تطابق دارد.

فرضیه اصلی پژوهش در خصوص وجود رابطه بین اشتباهات حسابرسی و توان توضیحی متغیرهای بنیادی حسابداری مطرح و مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد ضریب تعیین مدل مورد استفاده در شرکت‌هایی که صورت های مالی آن‌ها تجدید ارائه نگردیده (فاقد اشتباه بااهمیت در دوره قبل) به‌طور معنی‌دار بالاتر از شرکت‌هایی بود که صورت های مالی آن‌ها ناشی از بروز اشتباه بااهمیت در دوره قبل مورد تجدید ارائه قرار گرفته بود. بنابراین فرضیه اصلی مبنی بر تأثیر اشتباهات حسابرسی بر محتوای اطلاعاتی متغیرهای بنیادی حسابداری مورد تأیید قرار گرفت.

۵-۱- پیشنهادهای کاربردی مبتنی بر نتایج

همان‌گونه که مشاهده گردید بین اشتباهات حسابرسی و توان توضیحی متغیرهای حسابداری رابطه معناداری وجود دارد. در واقع وجود اشتباهات حسابرسی موجب کاهش محتوای اطلاعاتی ارقام بنیادی حسابداری می‌شود. لذا به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود در هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری، نسبت به اطلاعات شرکت‌هایی که صورت های مالی آن‌ها تجدید ارائه شده (دارای تعدیل سنواتی) حساسیت بیشتری نشان دهند. از آنجایی که اشتباهات حسابرسی باعث کاهش محتوای اطلاعاتی متغیرهای حسابداری می‌شود، به حساب‌رسان پیشنهاد می‌شود کار رسیدگی به صورت های مالی را با دقت و برنامه‌ریزی بالاتری انجام دهند تا بتوانند با کاهش اشتباهات در سنوات قبل، نقش واقعی خود را به نحو بهتر ایفا نمودن و موجبات افزایش محتوای اطلاعاتی حسابداری را فراهم آورند.

۵-۲- پیشنهادها برای تحقیقات آتی

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق حاضر به محققان آینده پیشنهاد می‌شود که:

- ۱- به‌منظور بررسی ارتباط عمیق‌تر بین اشتباهات حسابرسی و محتوای اطلاعات متغیرهای حسابداری در درازمدت پیشنهاد می‌گردد، ارتباط بین متغیرهای فوق در قالب یک تحقیق سری زمانی (بررسی اطلاعات یک دوره زمانی حداقل ۱۰ ساله) انجام گیرد.
- ۲- بررسی اینکه شهرت و تخصص حسابرس با اشتباهات حسابرسی رابطه معنی‌داری دارد؟
- ۳- بررسی اینکه وجود تیم‌های تخصصی در مؤسسات حسابرسی بر کاهش اشتباهات گزارش‌های حسابرسی تأثیرگذار می‌باشد؟

۵-۳- محدودیت‌های تحقیق

- پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی است که باعث می‌شود نتایج آن با احتیاط بیان شود. محدودیت‌هایی که محقق به عقیده خود با آن‌ها روبرو بوده است شامل موارد زیر می‌شود:
- ۱- انتخاب شرکت‌های حاضر در بورس به دلیل سهل‌الوصول بودن دریافت اطلاعات که باعث می‌شود کل جامعه شرکت‌های کشور ایران را در برنگیرد. در ضمن، این پژوهش فقط بر روی ۶۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته است و تعمیم نتایج به کل بورس و به کل شرکت‌های فعال در اقتصاد ایران باید با احتیاط صورت گیرد.
 - ۲- استنباط و نتایج حاصل از این تحقیق با استفاده از داده‌های زمانی مابین ۸۵ تا ۸۹ صورت گرفته، لذا تعمیم نتایج به دوره‌های زمانی دیگر بهتر است با احتیاط عمل شود.
 - ۳- به دلیل محاسبات در دستیابی به رقم نهایی یک متغیر، از خطای موجود محاسباتی نیز به‌عنوان یکی از عوامل محدودکننده می‌توان نام برد.

۶- منابع

۱. ایمان زاده، پیمان، روحی، علی (۱۳۸۸). "بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران" پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی.
۲. پور حیدری، امید، برهانی نژاد، سعیده، محمدرضا خانی، وحید. (۱۳۹۴). "بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر به موقع بودن گزارش حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۵۸، صص ۱۰۴-۸۵.
۳. حساس یگانه، یحیی، آذرین فر، کاوه. (۱۳۸۹). "رابطه بین کیفیت و اندازه مؤسسه حسابرسی"، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۱.
۴. حساس یگانه، یحیی، و مداحی، آزاده. (۱۳۸۸). "اثر بخشی فرآیند حسابرسی در کشف اشتباهات و تحریف‌های بااهمیت

- در صورت های مالی"، پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابداری.
۵. رویانی، رمضانعلی، محمدی، مهدی. (۱۳۹۰). اخلاق و حرفه‌ای گرای در حسابداری، انتشارات کتابخانه فرهنگ.
 ۶. سجادی، حسین، ناصح، لادن. (۱۳۸۲). "سودمندی حسابداری مستقل صورت های مالی"، بررسی حسابداری و حسابداری، شماره ۳۳.
 ۷. شاهنگ، رضا. (۱۳۸۷). تئوری حسابداری، جلد اول.
 ۸. شجاعی، م. (۱۳۸۹). "بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری بر هزینه تأمین مالی از طریق بدهی"، بررسی های حسابداری و حسابداری، شماره ۶۲.
 ۹. ثقفی، علی، سلیمی، محمدجواد. (۱۳۸۴). "متغیرهای بنیادی حسابداری و بازده سهام" مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، شماره ۲، تابستان ۸۴، ۷۴-۶۱.
 ۱۰. عرفی، حمیدرضا. (۱۳۸۸). حسابداری و حسابداری، انتشارات پارسه.
 ۱۱. عبدالرزاقی، محبوبه. (۱۳۹۰). بررسی " رابطه بین متغیرهای بنیادی حسابداری با بازده سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد.
 ۱۲. کمیته فنی سازمان حسابداری، استانداردهای حسابداری، نشریه ۱۲۴ سازمان حسابداری، اسفند ۱۳۷۷.
 ۱۳. مرادی، مهدی، عظیمی مقدم. (۱۳۹۰). "شناسایی عوامل اثرگذار بر مدل خطر حسابداری؛ با بهره‌گیری از روش دلفی" دانش حسابداری، سال یازدهم، شماره ۴۴، صص ۵-۳۶.
 ۱۴. نوشادی، میثم، خواجوی، شکراله، سیرانی، محمد. (۱۳۸۷). "تأثیر تجربه و پیچیدگی موضوعات حسابداری بر قضاوت حسابرسان"، بررسی حسابداری و حسابداری، شماره ۵۵.
 ۱۵. یعقوبی منش، سارا. (۱۳۸۸). "تأثیر گزارش‌های حسابداری بر قیمت سهام"، فصل‌نامه مطالعات حسابداری، شماره ۳.
1. Bartov, E., Goldberg, S., Myungsun, K., (2005), Comparative Value Relevance Among German, U.S.A and International Accounting Standards a German Stock Market Perspective, journal of accounting, Auditing, and finance vol.20, PP95-119.
 2. Lennox, C.S, (1998), "Bankruptcy, Auditor switching and audit failure". Evidence from the UK 1987-1994.
 3. Libby, R. and Fredrick, D.M., (1990), "Experiance and the Ability to Explain Audit Findigs", Journal of Accounting Research, Vol.28, P.348.
 4. Li, D., Kevin, B., (2011), "Apparent audit failures and value relevance of earnings and book value", Review of finance, Vol.10.
 5. Rafik Ben Ayed, M., (2006), Value Relevance of Accounting Earnings and the Information content of its components, www.ssm.com.
 6. Stephan, A. (2010), "Auditor conservatism following audit failures", ManagerilAiditing Journal, Vol 25, PP.639-658.